

فیلم‌هایی که درخشیدند

نگاهی به ماندگارترین سینمایی‌های ۱۴۰۳ از نگاه نوجوانه

امسال هم مانند سال‌های گذشته به سرعت برق و باد گذشت و خاطره‌هایش را برای مان به یادگار گذاشت. برای آنهایی که مثل ما عاشق فیلم و سینما هستند، یکی از این خاطره‌ها، فیلم‌هایی است که در این سال به تماشایشان نشستیم و لذت فریم به فریم‌شان به جان مان نشست. فیلم‌هایی که سرشار از داستان و معنی بودند و نقشی‌نودر تاریخ سینمای ایران رقم زدند. صفحه معرفی این هفته، میزبان ماندگارترین فیلم‌های ۱۴۰۳ است که از جشنواره فیلم فجر تا اسکار افتخار آفریدند و در ذهن ما نوجوانه‌ای‌ها ماندگار شدند.

زینب اکبری
سعید مولوی
مجتبی ستوده‌نیا
برگزیدگان
جشنواره فیلم
مدرسه

از جنگل‌های گیلان تا پرده اسکار



را داشت تا با استفاده از لایه‌های عمیق‌تر روان‌شناختی به تماشاگران تجربه‌ای جدیدتر و جذاب‌تر ارائه دهد. در واقع، این فیلم می‌توانست به جای تمرکز صرف بر بحران‌های عاطفی، به تحلیل دقیق‌تر و پیچیده‌تری از شخصیت‌ها و روابط‌شان بپردازد. با این حال، فیلم در نمایش پیام انسانی خود کاملاً موفق عمل می‌کند. پیام‌هایی چون تأثیرات جدایی بر کودکان، چالش‌های روانی ناشی از بحران‌های خانوادگی و اهمیت حمایت عاطفی در مواجهه با چنین مشکلاتی، در طول فیلم به خوبی منتقل می‌شود. تماشاگر با دیدن این فیلم می‌تواند درک بهتری از پیچیدگی‌های روابط خانوادگی و آسیب‌هایی که ممکن است در این فرآیند رخ دهد، پیدا کند. در مجموع، «در آغوش درخت» فیلمی است که اگرچه با برخی مشکلات در زمینه ریتم و استفاده از کلیشه‌ها مواجه است اما همچنان تجربه‌ای انسانی و تأمل‌برانگیز را برای تماشاگر به ارمغان می‌آورد. این فیلم با بازی‌های تأثیرگذار، فضای بصری غنی و پیامی پرمعنی، می‌تواند تجربه‌ای عمیق برای علاقه‌مندان به درام‌های خانوادگی و اجتماعی فراهم کند اما برای رسیدن به سطحی بالاتر، به کار روی ساختار روایی و پیچیدگی‌های بیشتر در تحلیل شخصیت‌ها نیاز دارد.

فیلم «در آغوش درخت» ساخته بابک خواجه‌پاشا، اثری است که به روابط پیچیده خانوادگی و تأثیرات جدایی والدین بر فرزندان می‌پردازد. داستان این فیلم روایتگر زندگی خانواده‌ای است که پس از ۱۲ سال زندگی مشترک، تصمیم به جدایی می‌گیرند و در این میان، فرزندان آنها دچار بحران‌های عاطفی و روانی می‌شوند. خواجه‌پاشا با بهره‌گیری از فضا سازی‌های قوی و نمایش احساسات درونی شخصیت‌ها، تلاش کرده تا دردها و رنج‌های ناشی از این بحران‌های خانوادگی را به شکلی ملموس و عمیق به نمایش بگذارد. یکی از نکات بارز فیلم، بازی‌های بسیار طبیعی و اثرگذار شخصیت‌ها، به‌ویژه بازیگران کودک است. این فیلم به وضوح نشان می‌دهد که چگونه جدایی والدین می‌تواند بر ذهن و احساسات کودکان تأثیرات عمیقی بگذارد. بازیگران کودک در این فیلم توانسته‌اند به شکلی بسیار واقعی، ترس‌ها، ناامیدی‌ها و اضطراب‌های درونی شخصیت‌های خود را به تماشاگر منتقل کنند. فضای بصری فیلم نیز به خوبی توانسته داستان را تقویت کند. آرومیه با مناظر طبیعی زیبا و درختانی که در طول فیلم به‌طور مکرر دیده می‌شوند، تبدیل به یک عنصر نمادین در داستان شده است. درخت در این فیلم نه تنها به عنوان پس‌زمینه‌ای طبیعی، بلکه به عنوان نمادی از خانواده، استحکام و پیوندهای عاطفی عمل می‌کند. درختان و فضای سبز آرومیه در فیلم به‌گونه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند که از آنها به عنوان ابزاری برای بیان تحولات درونی شخصیت‌ها و روابط خانوادگی استفاده می‌شود. این نمادگرایی طبیعت به خوبی احساسات و درگیری‌های عاطفی درونی شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد و به نوعی یکی از ارکان اصلی فیلم محسوب می‌شود. فیلم در برخی مواقع به استفاده از کلیشه‌های رایج درام‌های خانوادگی دچار شده است. برخی سکانس‌ها به‌طور واضح به احساسات تکیه می‌کنند و برای برخی تماشاگران می‌تواند احساسی بیش از حد و سطحی به نظر برسد. این در حالی است که داستان پتانسیل این

باغ موزی کیانوش

جذاب و هیجان‌انگیز باشد. حضور شهرام حقیقت دوست به عنوان بازیگر اصلی در نقش کیانوش یا عباس جمشیدی فر که بیشتر در کارهای طنز شاهد بازیگری‌شان بودیم، سینمایی‌باغ کیانوش را به فیلمی طنز و در عین حال پرهیجان تبدیل کرده است. همچنین این فیلم سینمایی اقتباسی از رمان باغ کیانوش است که اگر این رمان را خوانده باشید، ممکن است بیشتر از بقیه بتوانید ماجرای داستان را حدس بزنید. این فیلم که داستانش حول محور زندگی و ارتباطات نوجوانان می‌چرخد، عنوان بهترین فیلم سی و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را در رزومه خود دارد. ما نوجوانان و حتی بزرگ‌ترها می‌توانیم درسی ارزشمند از باغ کیانوش بگیریم، درس متحد بودن و دلسوزی برای افرادی که سال‌ها در میان‌شان زندگی کرده‌ایم و حتی تصور



یک روز بدون وجود آنها برای ما آزاردهنده است. اگر شما به جای یکی از نوجوانان داستان باغ کیانوش بودید جرات انجام کارهای خطرناک برای نجات دوستان‌تان را داشتید؟

بعضی از کارها جسارت و شجاعت زیادی می‌خواهد تا انجام شود اما بعضی کارها را با کمی تلاش هم می‌شود انجام داد. از نظرم اگر این جسارت در کارهای خوب و خیر صرف شود خیلی خیلی بهتر از این است که در کارهای زشت و ناپسند به کار گرفته شود. در فیلم سینمایی «باغ کیانوش» که شاید امسال خیلی اسمش را شنیده یا تبلیغاتش را دیده باشید، چند کودک شجاع اما کنجکاو تصمیم ترسناکی می‌گیرند که شاید جان‌شان را هم در این راه از دست بدهند. آنها تصمیم می‌گیرند به باغ آقا کیانوش بروند، کسی که حتی جرات سلام کردن یا هم‌کلام شدن با او را ندارند. بعضی از بچه‌ها مخالف رفتن به باغ بودند اما در نهایت موافقان همه را برای رفتن به باغ با خود همراه کردند. می‌دانید دلیل این همه اشتیاق برای رفتن به آن باغ مرموز چه بود؟ آنها شنیده بودند در این باغ درخت‌های موز

وجود دارد و چون آنها هیچ وقت موز ندیده بودند، تصمیم می‌گیرند که به باغ بروند. در ادامه داستان، ماجراهایی در باغ کیانوش و مسیری که بچه‌ها انتخاب کرده‌اند، اتفاق می‌افتد که شاید دیدنش برای شما

فوتبالی فراموش نشدنی!



لحظات زیادی می‌خواهیم به صحنه وارد شویم و در چالش‌هایی که متوجه اوست، یاری‌اش کنیم. کارگردانی و تدوین در واقعیت بخشیدن به یک فیلم فوتبالی بسیار اهمیت دارد. علی‌ثقیفی با بهره‌گیری از خلاقیت و استفاده از متخصصان فوتبالی، استاندارد جدیدی از فیلم‌های این ورزش برطرقدار را به نمایش گذاشته که با توجه به فیلم‌های مشابه در دنیا، می‌توان آن را از نظر واقع‌گرایی بر بسیاری برتری داد. پرویزخان فیلمی شریف و ملی است. اگرچه در این یک‌سال که اکران شد، نتوانست توجه‌های زیادی را به خود جلب کند اما در آینده بحث‌های زیادی را با خود به همراه خواهد آورد.

آن دو سیم‌رغ در دو بخش تدوین و کارگردانی فیلم اول شد. مادر این اثر بایک انسان کاملاً ایرانی مواجهیم که باتمام سختی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها از مسیرش جدا نمی‌شود و از هر مشکل برای ایجاد همبستگی بین تیمش استفاده می‌کند تا بتواند آن هدفی را که متصور است تحقق بخشد. مسیری که کارگردان برای بیان داستانش انتخاب کرده، می‌تواند به خوبی مخاطب را تا انتها با خودش همراه کند. از استعفا بازیکنان قدیمی، تا انتخاب و پیدا کردن بازیکنان جدید، مسیری جذاب و پرتلاطمی است که ما را کنار پرویزخان قرار می‌دهد و در

تاریخ ایران پراز انسان‌های بزرگ و تلاشگر است که هر کدام در امروز ما نقشی کلیدی داشته‌اند و ما با وجود فراگیری و در دسترس بودن منابع اطلاعاتی، آگاهی زیادی نسبت به آنان نداریم اما در این میان یک نویسنده، مستندساز یا فیلمساز آگاه از تاریخ و دغدغه‌مند، تلاش می‌کند تا با ساخت یک روایت از شخصیت‌ها و وقایع مهم تاریخی، جامعه را به واسطه آشنایی با گذشته، برای آینده‌ای بهتر آماده کند. علی‌ثقیفی در سال ۱۴۰۲ فیلمی به نام «پرویزخان» که بخشی از زندگی پرویز دهداری، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در سال‌های ابتدایی انقلاب را روایت می‌کرد، به جشنواره فجر فرستاد و حاصل